



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

 دانلود آزمون های آزمایشی

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

www.tafrihicenter.ir

درسنامه

علوم و فنون ادبی یازدهم

درس ششم – مجاز

شرح و توضیح : مریم قانع دوست

مجاز:

مجاز در لغت، متضاد حقیقت است و در اصطلاح ادبی آن است که واژه‌ای را در غیر معنای حقیقی آن به کار ببریم؛ علت پیدایش مجاز علاوه بر تخیل، صرفه جویی در زبان است؛ زیرا در مجاز الفاظ محدود و معانی نامحدودند، ازطرفی مجاز دایره ی الفاظ را در زبان گسترش می دهد، زیرا به یک واژه امکان می دهد تا در معانی متفاوتی به کار رود.

مثلاً در بیت زیر:

شاعر واژه‌ی «نگین» را در معنی «انگشتی» به کار برده‌است:

من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم

که گاه گاه براو دست اهرمن باشد

اکنون پرسش این است که آیا می‌توان هر واژه‌ای را به جای واژه‌ی دیگری به کار برد؟

قطعاً خیر توضیح اینکه که باید بین واژه‌ای که به کار می‌بریم و معنایی که از آن در نظر داریم، علاقه ای وجود داشته باشد که آن دو را به یکدیگر پیوند دهد.

پیوند و علاقه ی میان «نگین» و «انگشت» در بیت بالا «جزئیّه» است؛ یعنی نگین، جزئی از انگشتراست.

علاقه: پیوند و تناسبی که میان حقیقت و مجاز وجود دارد.علائق نامحدودند ونباید آن ها را درشمار خاصی محدود کنیم.

قرینه: نشانه ای است که ذهن را از حقیقت باز می دارد بر دونوع است لفظی و معنوی

مهم‌ترین علایقی که در مجاز وجود دارد، عبارتند از:

۱- جزئیّه:

جزئی از چیزی را به جای تمام آن چیز، به کار می‌برند.

مثلاً

به یاد روی شیرین بیت می گفت

چو آتش تیشه می زدکوه می سفت

منظور از «بیت» «شعر» هست شاعر جز را گفته وکل را اراده کرده است.

و یا:

پیش دیوار آن چه گویی، هوش دار

تا نباشد در پس دیوار، گوش

که منظور از «گوش»، آدمی است که سخن را گوش می‌دهد و گوش جزئی از آدم است.

۲- کلیّه:

تمام چیزی را به جای جزئی از آن، به کار می‌برند.

مثلاً در زبان عادی می‌گویند: «می‌خواهم سرم را کوتاه کنم» و منظور از «سر»، «موهای سر» است که جزئی از سر است.

یا در شعر گفته‌اند:

«سپید شد چو درخت شکوفه‌دار، سرم»

که باز منظور از سر، موهای سر است.

۳- محلّیه:

جا و محلّ چیزی را به جای خود آن، به کار می‌برند.

مثلاً می‌گویند:

«شهر به پیشواز او آمد.»؛ یعنی: مردم شهر...

یا:

«کلاس به پاخواست»؛ یعنی: دانش‌آموزان کلاس...

در شعر نیز گفته‌اند:

«دل عالمی بسوزی، چو عذار بر فروزی...»

که «عالم» مجاز از مردم عالم است.

یا:

«برآشفت ایران و برخاست گرد...»

که منظور از «ایران»، سپاه ایران است.

رابطه‌ی محلّیه را می‌توان گسترده‌ترین، نوع مجاز دانست؛ زیرا علاوه بر گفتن مکان و اراده‌ی کسانی که در آن مکان جای دارند، بر کاربردهای مجازی زیر نیز دلالت دارد:

۱-۳- کاربرد ظرف به جای آن چه در ظرف است:

مثلاً در شعر زیر:

وقت عزیز رفت بیا تا قضا کنیم

عمری که بی حضور صراحی و جام رفت

که منظور محتویات جام و صراحی یعنی «شراب» است

و یا

چو آشامیدم این پیمانه را پاک

در افتادم زمستی بر سر خاک

که منظور از «پیمانه»، «شراب» است که در پیمانه، جا دارد.

۲-۳- کاربرد «سر» یا «دل» به جای «قصد» و «اندیشه»:

در زبان عادی می گویند:

«با ما سر ناسازگاری دارد»؛ یعنی: ... قصد ... یا ... اندیشه ی...

و یا

در شعر گفته اند:

آیا حضور حاضرو غایب شنیده ای

من در میان جمع و دلم جای دیگر است

دل: مجاز از فکر و اندیشه

یا:

سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی

سر: مجاز از قصد و تصمیم

۴- آلیه (ابزاری):

ابزار کاری را به جای آن، به کار می برند.

مثلاً می گویند: دهخدا قلم خوبی داشت.

قلم: مجاز از نوشتن

و در شعر گفته اند:

تومرد زبان نیستی گوش باش

«زبان» مجاز از «سخن گفتن» است چون ابزار سخن گفتن زبان است.

۵- جنسیّه:

جنس چیزی را به جای خود آن به کار می‌برند.

مثلاً:

در آن باران تیر و برق پولاد...

پولاد: مجاز از شمشیر

۶- رابطه‌ی شباهت:

چیزی را به دلیل شباهت، به جای چیز دیگری به کار می‌برند؛ مثلاً نرگس را به جای چشم، سرو را به جای قامت بلند معشوق، لعل را به جای لب و گل را به جای چهره‌ی زیبا به کار می‌برند.

این گونه مجاز را به دلیل کاربرد گسترده‌ی آن، استعاره می‌نامند بنابراین استعاره نیز مجاز است که علاقه آن شباهت است.

چند نمونه:

ننگرد دیگر به سرو اندر چمن

هر که دید آن سرو سیم‌اندام را

سرو سیم‌اندام: مجاز از یار

یا:

گفتا که مرو به غربت و می‌بارید

از نرگس تر، به لاله بر مروارید

نرگس: چشم

لاله: چهره

مروارید: اشک

مجاز با رابطه‌ی شباهت یا استعاره را از طریق فرایند تشبیه نیز می‌توان بررسی کرد؛ زیرا این نوع مجاز، درحقیقت مشبّه‌بھی است که به جای مشبه می‌آید یعنی ذکر مشبه به واراده مشبه

برای تشخیص بهتر مجاز باید به نکته‌های زیر توجه کنیم:

۱- انواع مجاز را بدانیم و بشناسیم.

۲- واژه‌هایی را که معمولاً در معنی مجازی به کار می‌روند، بشناسیم (این شناخت، با تمرین و حل کردن تست‌های کنکور و مشابه آن‌ها و خواندن پاسخ تشریحی آن‌ها به دست می‌آید.)

خود ارزیابی:

۱- معنای حقیقی و مجازی را در واژه‌های مشخص شده بررسی کنید.

الف) چرخ: درخت تو گر بار دانش بگیرد به زیر آوری چرخ نیلوفری را ناصر خسرو

معنای حقیقی چرخ: ابزار مدور که حرکت دورانی دارد. معنای مجازی چرخ: فلک آسمان

ب) سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی / چه خیال ها گذر کردو گذر نکرد خوابی سعدی

معنای حقیقی سر: راس، بالا ترین بخش بدن معنای مجازی سر: عزم، تصمیم، قصد، خیال

پ) سینه: سینه خواهم شرحه شرحه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق مولانا

معنای حقیقی سینه: قفسه صدری، بخش میانی بدن معنای مجازی سینه: دل، منظور از دل عاشق درد هجران کشیده است.

۲- در سروده های زیر مجاز را مشخص کنید.

الف) فردا که آن شهر خاموش / در حلقه شهر بندگان دشمن / از خواب دوشینه برخاست / دیدند / زان مرغ فریاد و آتش / خاکستری سرد برخاست. شفیع کدکنی

مجاز: فردا با معنای مجازی آینده مرغ: با معنای مجازی ققنوس. شهر: با معنای مجازی مردم شهر

ب) فرشتگان سنگ به وی می زدند که خاکی و آبی را چه رسد که حدیث کند ؟ کشف الاسرار میبدی

مجاز: خاکی و آبی با معنای مجازی انسان

پ) چرا چون لاله خونین دل نباشم / که با ما نرگس او سر گران کرد حافظ

مجاز: نرگس به علاقه شباهت با معنای مجازی (استعاره) چشم

ت) دل عالمی بسوزی چو عذار بفرروزی / تو از این چه سود داری که نمی کنی مدارا حافظ

مجاز: عالم با معنای مجازی مردم عالم

ث) برو ای گدای مسکین در خانه علی زن / که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را شهریار

مجاز: نگین به علاقه جزییه با معنای مجازی انگشتر

۳- در بیت زیر مجاز و قرینه را مشخص نمایید.

دست فلک ز کارم وقتی گره گشاید / کز یکدگر گشایی زلف گره گشا را فروغی بسطامی

دست مجاز از انگشت با قرینه ی گره گشودن که توسط انگشت صورت می گیرد نه دست (با علاقه کلیه)

۴- بیت زیر را از نظر فکری و ادبی بررسی نمایید.

سپید شد چو درخت شکوفه دار سرم / وز این درخت همین میوه غم است برم جامی

✓ از نظر فکری: تاسف از دست رفتن ایام جوانی. پیری و اندوه (غم گرایی، ذهن گرایی و توجه به دنیای درون)

✓ از نظر ادبی : مراعات نظیر بین میوه و درخت و شکوفه / بر و سر : جناس ناقص اختلافی / تشبیه : میوه ی غم، سرم چو شکوفه دار سپید شد. / مجاز: سر با معنای نانهاده مو / مجاز: درخت در مصراع دوم به علاقه شباهت با معنای نا نهاده سر.

۵- وزن بیت زیر را مشخص کنید:

بضاعت نیاوردم الا امید خدایا ز عفوم مکن نا امید سعدی

بِ	ضَا	عَت	نَ	یا	وَر	دَ	مِل	لا	أ	مید
خُ	دا	یا	زِ	عَف	وَم	مَ	کُن	نا	أ	مید
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-

✓ وزن : فعولن فعولن فعولن فعل . بحر: متقارب مثنی محذوف